

# دستورهای سیاه یا «قانون امر به معروف و نهی از منکر» حکومت دیفکتوی جهل و وحشت طالبی!

ح «حریف»

آلمان – آگست ۲۰۲۴

قانون ، دساتیر و قواید عمومی و اجباری است که بخاطر تنظیم رابطه ها، استقرار نظم و تامین عدالت اجتماعی تدوین گردیده که در صورت نقض و تخطی از آن تنبیه و یا مجازات را در پی دارد. شهروندان از بالا تا پائین همه در برابر قانون موقف و مسئولیت های یکسان داشته و بر همگان بصورت یکسان قابل تطبیق است.

قوانین منشاء و مبداء خود را از قانون اساسی ، مصوبات، قواعد اخلاقی و تعالیم دینی – مذهبی و آداب و رسوم گرفته و جهت حمایت از حقوق و آزادیهای شهروندان وضع میشود.

قانون که در نظام های دموکراتیک ممثل دموکراسی بوده ، برخلاف در نظام های مطلقه ، ارتجاعی و استبدادی ابزار تحکیم پایه های استبداد و سرکوب مردم بشمار می آید. در حاکمیت های مردم سالار، قانون ممثل اراده مردم میباشد که بعد از طی شکلیات معین بوسیله نماینده گان انتخابی شان در اتاق های پارلمان تدوین می یابد.

قانون بنابر خصوصیت همگانی بودن آن ، بر همه ی شهروندان بصورت یکسان قابل تطبیق است. حاکمیت قانون به این معنی است که افراد جامعه بگونه ی همسان و بارعایت هنجار های مشترک رفتار نمایند. چنانچه افراد جامعه از بالا تا پائین در برابر قانون از حقوق و وجایب یکسان برخوردار هستند.

حاکمیت های مردم سالار، قدرت اجرایی و صلاحیت خود را از قانون میگیرند، طوری که قانون بایستی در جهت خواسته های شهروندان سیر نماید. وقتی قانون توسط مردم بوسیله نماینده گان انتخابی شان تدوین می یابد، طبعی است که مصمم و علاقه مند پیروی و اطاعت از آن میباشد ، در نتیجه عدالت

اجتماعی به بهترین وجه ممکن آن تامین می شود . درجه آزادی یک جامعه را به اساس فیصدی شهروندانی که زیر چتر حاکمیت قانون قرار دارند، میتوان محاسبه نمود.

قانون بنابر درجه قدرت ، صلاحیت و شکلیات تدوین آن ، به قانون اساسی ، اصول اساسی ، نظامنامه ، قوانین عادی، مقررات، اساسنامه، کارشپوه و... رده بندی میشود.

قانون اساسی ویا قانون مادر، بالاترین وبا صلاحیت ترین سند معتبر حقوقی محسوب گردیده که منبع و اتکای سایر قوانین منسلک به آن میباشد. قانون اساسی معین کننده رژیم سیاسی و ساختار آن، سلسله مراتب ویا هیرارشی اداری ، جایگاه و حدود قدرت سیاسی دولت ، تفکیک قوای سه گانه دولت اعم از حکومت ، پارلمان وقوه ی قضایه بوده ، همچنان تعیین و تضمین کننده ی حقوق شهروندی بشماررفته و مرکز قدرت دولتی را معرفی مینماید. به همین ترتیب از ساختار و سیاست های اقتصادی و فرهنگی بحث نموده و خطوط کلی سیاست خارجی و روابط میان کشور و سایر دول را تنظیم می نماید.

قانون اساسی طی شکلیات خاصی تدوین می یابد. مطابق روند های مردم سالارانه ، نماینده گان ویا خود مردم هستند که بوسیله ی مجلس موسسان ویا همه پرسی به تدوین و تصویب قانون اساسی می پردازند ، درمیهن عزیز ما مطابق عنعنات تاریخی ، این مجلس بزرگ ملی (لویه جرگه) است که بنابردعوت حکومت تدویر یافته و صلاحیت تدوین قانون اساسی را دارد.

بخاطر تطبیق دقیق ، حفاظت و حمایت از قانون اساسی ، در جوامع مختلف ، ساختار های را ایجاد می نمایند ، چون شورای قانون اساسی ویا محکمه قانون اساسی که وظایف آنرا تفسیر قانون اساسی ، انطباق قوانین عادی و منسلک با قانون اساسی تشکیل داده ، تابا قانون اساسی در تعارض واقع نشود.

با آنچه در مورد قانون ، ماهیت و ضرورت آن در حاکمیت های مردم سالار گفتیم ، بر میگردیم که به کارنامه های سیاه و اسارت بار امارت جهل و وحشت طالبی در عرصه تدوین قوانین .

طوریکه بعد از ۳ سالگی حیات ننگین شان با بیرون کشیدن دستور العمل های عصر جهالت زیر نام «قانون امر به معروف و نهی از منکر»، یا پامال کننده صریح و خشن حقوق و آزادی های مردم که همچنان قفل سنگینی را بر در های حصر خانگی زنان آزاده ی میهن ما زدند . بر اساس روش های متعارف قانون گذاری ، اصلن نمیشود آنرا قانون نامید. چنانچه امارت طالبی که حاکمیت تحمیل شده بیگانه گان است ، خود از مشروعیت لازم داخلی و جهانی برخوردار نبوده و صلاحیت تدوین قانون را نیز ندارد.

طالبان به تازه گی یک مجموعه ۱۱۴ صفحه یی بانام «قانون امر به معروف و نهی از منکر» را منتشر نموده که شامل ۴ فصل و ۳۵ ماده میباشد. طالبان به وسیله این قانون کنترل رفتار ، گفتار ،

عقیده ، عبادات و شیوه ی زنده گی شخصی شهروندان کشور را بدست گرفته اند. قانونی که مبنای آن فقه حنفی معرفی شده است. مندرج قانون یادشده چنین توصیه شده که از تعصب قومی و زبانی خود داری شود ، ولی برخلاف ادعای بی بنیاد شان ، یادی از تکثر مذهبی منجمله مذهب شیعه که میلیونها پیرو در افغانستان دارند ، ذکری بعمل نیامده است. صدای زنان حتا برای قرائت قران کریم هم عورت دانسته شده ، تصاویری را که با اجسام زنده به نمایش گذاشته میشود، ممنوع قرار داده و بر علاوه نکتایی را از نشانه های کفری معرفی نموده اند.

وقتی به این قانون خود خوانده طالبان توجه نماییم ، می بینیم که چگونه طالبان تحجرگرا زنان را از همان آوان تحمیل شدن شان بوسیله بیگانه گان ، توام با خشونت تمام به حاشیه رانده و بر مبنای قانون تازه شان به زندانهای سربازیا حصر خانگی ثوق داده اند ، هدف کلی آنها ، حذف زنان از اجتماع انسانی است، چنانچه با تحقق و عملی نمودن قانون نامبرده ، زنان جایگاه کار در اجتماع انسانی ندارند. در قانون نامهاد آمده است که صدای زنان عورت بوده و بر شنیده نشدن آن دستور داده شده ، همچنان به پوشانیدن چهره و بدن زنان به نسبت « ترس از فتنه»! امر شده است. ممنوعیت نشر تصاویر جانداران در رسانه ها ، نشنیدن موسیقی ، ندیدن فلم ها و ویدیوها ، منع تراشیدن ریش و اصلاح موی خلاف شریعت ، گذاشتن حداقل ریش تا یک قبضه ، منع پوشیدن نکتایی و ترویج صلیب ، دستور منع تجلیل از نوروز ، شب یلدا ، آتش بازی و حتا منع گفت وگویی زنان با مردان از موارد دیگر قانون متذکره میباشد.

بر علاوه پنهان کردن چهره زنان از مردان نا محرم ، دوری زنان مسلمان از زنان کافر، منع مردم از داشتن رابطه دوستی با کافران و کمک کردن به آنها ، همچنان ممنوعیت شنیدن صدای زنان و یا موسیقی بیرون از خانه و یا مجلس ، از پهلوی دیگر این قانون است.

مطابق ماده ۱۹ قانون متذکره پخش موسیقی در موترهای مسافربری و حمل و نقل و انتقال زنان بی محرم شرعی ممنوع شده ، جلوگیری از نشستن و اختلاط زنان با مردان نامحرم ، امتناع از انتقال زنان بدون محرم شرعی ی عاقل و بالغ . مکلف نمودن مردم ، راننده گان و مسافرین به ادای نماز جماعت .

ماده ی ۲۲ ممنوعیت ها و محدودیت های تازه ایرا بر شهروندان وضع نموده ، چون منع استفاده از تایپ ، رادیو و سایر اشیای مانند آن ، منع تماشای عکس ، فیلم ، اشیای زیروح از کمپیوتر، موبایل و سایر اشیای مانند آن.

سندی که به اجراکننده گان اش (محتسبان) صلاحیت های بی حد و حصر داده است ، چنانچه محتسبان میتوانند نقض کننده ها و تخطی کننده ها را به دلیل اشتراک نکردن در نماز جماعت به محکمه طالبان

بکشانند. خطرناکتر و خشونت بارتر از همه اینکه ، دست محتسبان تا آنجا باز گذاشته شده که در برابر تخطی کننده ها هر طوریکه خود شان تصمیم میگیرند عمل نمایند.

در ماده ۲۴ قانون متذکره به ارتباط صلاحیت های بی حد و حصر محتسبان میخوانیم که ، «محتسب میتواند انجام دهنده منکر را توصیه ، تنبه ، تهدید با الفاظ قهرآمیز ، تعزیر مرتکب منکر و تلف نمودن مال آن. بر علاوه حبس از یک تا ۲۴ ساعت در زندان مربوط به محتسب و حبس یک تا ۳ روز در زندان عمومی و در نهایت جزای که محتسب آنرا مناسب بداند.

وقتی چنین دساتیر اسارت بار و آکنده از خشونت را می بینیم ، سطح مداخله و تخطی های توام با اجبار امارت جهل و وحشت طالبی علیه حقوق و آزادیهای شهروندان و حریم شخصی آنها ، ضد ارزشهای انسانی بوده و بیم آن وجود دارد که عنقریب طالبان وارد اتاق های خواب شهروندان نیز خواهند شد!

ظالمانه ترین و خشونتبار ترین بخش قانون امر به معروف و نهی از منکر طالبی ، ماده ۲۴ آن است که صلاحیت های اجرایی و قضایی به یک ملای فارغ مدرسه های «دیوبندی» بنام محتسب سپرده شده که بامغز شستشوشده اش ، بوی ازتامین عدالت حقوقی و قضایی را نمی برد. اما در نظام های قانونمند صدور احکام مجازات و آنهم سلب آزادی یا مجازات حبس در زندان ، صرف از صلاحیت های دادگاه هاست و بس.

مساله ارتکاب جرم و صدور مجازات از مباحثی بس با اهمیتی اند که از جانب دولت ها بوسیله ارگانهای حفظ و حراست حقوقی یا دستگاه های اجرایی و بخصوص قضایی در اتکا با قوانین نافذ متنی و شکلی مورد رسیده گی عادلانه قرار داده میشود ، یعنی بخاطر رسیده گی به اتهام وارده به یک متهم ، پرونده ی ترتیب ، طوریکه بعد از طی مراحل کشف و تحقیق ، جمع آوری مدارک و دلایل کافی الزام ، ترتیب اتهامنامه و تعقیب قضایی بوسیله دادستان (سارنوال)، تدویر جلسات قضایی ، باحضورداشت طرفین پرونده یا دادستان و متهم ، دادن حق دفاع برای متهم بوسیله ی خود اش یا وکیل مدافع قانونی آن در مقابل اتهامات وارده ی دادستان ، بر رسی عادلانه قضایی دوسیه در جلسات قضایی ، اصدار حکم به اتفاق و یا اکثریت آرای هیات قضایی دادگاه باصلاحیت، رعایت حق اعتراض بر فیصله ی دادگاه ، درپیشگاه دادگاه های سه گانه ، مرحله تجدید نظر و تا قطعی شدن حکم .

با آنچه گفته آمدیم ، نادیده گرفتن موارد قانونی بالا و برخلاف ، دادن صلاحیت های بی حد و حصر برای محتسب طالبی ، دقیقن میتوان آنرا اجراءات «دادگاههای صحرائی» عنوان داد که در استبدادی ترین و ظالمانه ترین حاکمیت ها چنین برخورد های سبک سرانه و ضد حقوق بشری علیه حق آزادی

و حق زنده گی شهروندان به مشاهده نمی رسد. و اما با تاسف باید اذعان نمود که حاکمیت استبدادی طالبان ، هرگز به حق زنده گی و آزادی انسانها کوچکترین ارزش و اهمیتی قابل نیستند.

بادریغ و درد ، طالبان بعد از «معامله ننگین دوحه» باواشنگتن و سپردن حاکمیت به آنها، مرتکب جنایات عدیده ی ضدبشری و خانمان برانداز علیه جان ، مال و شرف مردم ما شده اند که به حواله رسانه ها ، گزارش های سازمان ملل و نهاد های حقوق بشری که اکثرن مستند سازی نیز شده ، گردیده اند که در صدر این جنایات قتل های زنجیره یی بشکل صحراپی بدون حتا یک ورق سوال و جواب ، تجاوزگروهی به عفت زنان و دختران ، اختطاف های توأم با قتل ، ازدواج های اجباری وزیرسن و... قرار دارد.

سران طالبان برخلاف مندرجات مواد ۴ ، ۱۳ ، ۱۷ و ۲۲ قانون امریه معروف ونهی از منکر، بارها مقابل کمره های مدیا قرار گرفته و مصاحبه های تصویری انجام داده ، تلویزیون ملی طالبان نشرات تصویری اشرا ادامه داده است. چنانچه در همان روز توشیح قانون متذکره از طرف ملا غیبت الله ، جناب ستانکزی معاون سیاسی وزارت خارجه طالبان باخانم «رافیلایودیشه» نماینده اتحادیه اروپا در کابل ملاقات تصویری را انجام داده و به همین ترتیب ، ۴ روز بعد از توشیح قانون شان، معاون والی کندهار، در زیر ریش ملا غیبت الله با خانم «دوراوتوینبایوا» ریس یوناما در کابل دیدار تصویری داشته است. این بدان معنی است که قانون متذکره وسیله تعمیل خشونت و سرکوب گری علیه شهروندان و بخصوص قشر زنان میهن ما بوده و آنها خودشانرا مکلف به رعایت قانون متذکره ندانسته و کسی هم حق سوال کردن در این زمینه ها ، از آنها را نیز ندارد.

به گواهی تاریخ ، باری رهبران دینی یهودان (خاخام ها) وقتی دساتیر ، اوامر و نواهی ایرا که صادر می نمودند ، این خاخام ها خود شانرا ممشول رعایت کننده گان ندانسته و به حیث برتر های قوم یهود به معرفی می گرفتند. در شرایط موجود ، همین سران طالبان که خودرا مکلف به رعایت دساتیر من درآوردی شان نمی دانند، هیچ تفاوتی با خاخام های یهودی ندارند.

محترم «حسام» آگاه مسایل دینی و عضو شورای علمای افغانستان میگوید ، طالبان خودرا بالاتراز پیامبر قلمداد نموده و حتا در جایگاه خدا قرار داده اند، طوریکه آنها مندرج قانون امر به معروف ونهی از منکر، برای مردم «تعین تکلیف» نموده و خود شانرا از این تکلیف مستثنا به حساب آورده اند. در حالیکه ، تمام انبیای که دین را باخود آورده اند ، مافوق و استثنا نبوده و خود شان نیز ممشول «تکالیف» بوده اند. طالبان که خودرا درمسند خدا قرار داده ، کسی حق سوال کردن از آنها را ندارد.

جناب «حسام» ادامه میدهند که در قرآن نیز همین شیوه متبارز است ، طوریکه هیچ کس حق سوال کردن از خدا را ندارد. تکلیف عبارت از هدایاتی است که از جانب خدا بالای بنده گان اش نازل

میشود ، می بینیم که در هر بند قانون طالبان ، مردم چون اوامر خدایی مکلف دانسته شده اند ، در حالیکه این صرف خداوند است که بنده گانش رامکلف به ادای بنده گی ، انجام عبادات ، بقیه کارهای نیکو و پرهیز از منکرات مینماید.

محترم حسام مخالفت صریح قانون امر به معروف ونهی از منکر طالبان را با قرآن کریم مطرح می سازد ، طوریکه قانون متذکره اوامر خداوندی را که در قرآن آمده ، خود «تقتین» نموده ، در حالیکه چنین تقنین کردن ها، در موجودیت و نافذ بودن قرآن ممنوع می باشد. قانونگذاری در حوزه شریعت الهی جایز نیست. چنانچه وقتی مردم اوامر خدایی را در زمینه عبادات انجام میدهند، ثواب و حجر کمایی نموده و در صورت اغفال و عدم انجام ، عقوبت شان در آخرت از جانب خدا مقدر میشود.

هموطنان عزیز دقیقن بخاطر می آورند که طالبان بارها در برابر طرح سوال، خلالی قانون اساسی در امارت شان از جانب رسانه ها با یک سر و هزاران زبان اذعان میکردند که ، در موجودیت قرآن عظیم الشان که بالاترین قانون خدایی مسلمانان است، بنده گان و یا مسلمانان حق ندارند و نمیتوانند از طرف خود قانون تدوین نمایند. مگر چه واقع شد که با چرخش ۱۸۰ درجه یی ، به صدور قانون امر به معروف ونهی از منکر پرداختند؟ . طالبان که توأم با طرفند ها ، از بام تا شام دروغ میگویند ، بر اساس حرف معروف ، «دروغگو حافظه ندارد» . از جانبی دیدگاه ها، ایدولوژی و عملکرد های طالبانی آگنده از تناقض گویی و کذب است.

به سلسله واکنش های داخلی و بیرونی علیه قانون متذکره ، سازمان ملل ، وزارت امر به معروف ونهی از منکر طالبان را بزرگترین ناقض حقوق بشر در افغانستان خوانده و قانون مذکور را مشابه به قانون داعش در سوریه دانسته است که در سال ۲۰۱۵ دستور العمل های مشابه را در مورد پوشش زنان و دختران ، پوشیدن لباس های کوتاه و چسپ ، منع آنان از صحبت مردان ، منع تراشیدن ریش و نوع پوشش مردان و در نهایت دادن صلاحیت های گسترده برای محتسبان صادر نموده بود. سازمان ملل به چنین نتیجه رسیده که طالب و داعش از نظر دیدگاه و عملکرد همسان بوده و چنین ممنوعیت ها و محدودیت ها علیه شهروندان را جنایت جنگی شمرده است.

اگر سازمان ملل و جامعه جهانی در حمایت از آزادی و حقوق شهروندی قرار داشته و جنایات ضد بشری طالبان علیه مال ، جان و شرف میهن و بخصوص جنایات خشونتبار ارتکابی شان علیه قشر زنان را جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت به حساب می آورد، پس چرا واشنگتن به اتکای ارقام انتشار یافته منابع خودشان تا کنون بیشتر از ۳ میلیارد دالر کمک نقدی به این لشکر جهل و وحشت و ناقضان حقوق بشر تادیه نموده و در تعامل را با آنها باز گذاشته اند. از جانبی این سازمان ملل و جامعه جهانی

در اتکاه با مدارک ، اسناد و جنایات بیشماریکه بوسیله طالبان در طی ۳ سال عمر ننگین شان ارتکاب یافته و مستند سازی نیز گردیده است ، چرا پرونده جنایی برای آنها ترتیب ننموده و به دیوان دادگستری جهانی در لاهه گسیل نمی دارند. همانطوریکه در ارتباط با نسل کشی فلسطینی ها بوسیله صیهونیست های اسرائیل که جنایات علیه بشریت به حساب آمده و بوسیله ریس جمهور افریقای جنوبی ، پرونده ی اتهامی ترتیب و به دادگاه عدالت جهانی در لاهه فرستاده شده که در نتیجه دادگاه متذکره به محکومیت دولت اسرائیل حکم صادر نمود...

برخلاف سران طالبان که درلست سیاه سازمان ملل ، واشنگتن و اتحادیه اروپا بوده و حتا سراج الدین حقانی که درلست سیاه پولیس فدرال امریکاقرار داشته و جایزه ۱۰ ملیون دالری برای دریافت رد پایش گذاشته شده ، آزادانه گشت و گذار نموده و به دوحه و تهران و...رسمن سفر مینمایند.

به ارتباط و اکنش های جهانی ، دیدبان حقوق بشر میگوید طالبان میخواهند جهان را آزمایش نمایند ، چنانچه طالبان بامنع دخول ریچاردبنت گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل در باره افغانستان ، میخواهند آزمایش نمایند که آنها عقب نشینی مینمایند یا خیر. قبل براین طالبان اشتراک زنان در نشست سوم دوحه را تحریم نمودند که آب از آب تکان نخورد. وزارت خارجه امریکا در وجود خلیزاد از تغییر طالبان حرف زده که گویا نسبت به دور اول امارت شان دگرگون شده اند، شرم و ننگ بر این شرکای بالامنزاع طالبان بنام «جهان آزاد».

قانون امر به معروف و نهی از منکر طالبان ، درکل یعنی حذف کامل زنان از ساحات کارهای اداری ، تولیدی و اجتماعی . چطور میتوان زنی را استخدام نمود که در کنار سایر کارکنان نامحرم سخن نزده و رویت نشود. صدور قانون متذکره بعد از ۳ ساله شدن حکومت دیفکتوی شان ، در سطح جهان و بخصوص بیش از ۵۰ کشور مسلمان پیشیه نداشته و ندارد.

اخیرن به ارتباط و اکنش های داخلی ، آقای ندیم سرپرست وزیر و ازرت تحصیلات عالی طالبان ، در برابر طرح سوالی که چه وقت در های مکاتب و دانشگاه ها بروی قشر زنان و دختران باز میشود ؟ جناب ندیم با لحن تحدیدآمیز، رسانه های داخلی و خارجی را خطاب قرار داده و باصراحت لهجه اظهار نمود: « همانطوریکه آموزش زنان و دختران ممنوع است ، طرح سوال در این موردتارفع ممنوعیت آن نیز ممنوع میباشد». وبعد چنین ادامه داد که اگر علما دین در این زمینه دلایل شرعی دارند، او حاضر است با آنها مناظره ی دینی انجام دهد. در این میان جناب شیخ الاسلام صبیغت الله مولوی زاده از جمله آگاهان مسایل دینی و رحانیون میهن پرست دارالعلوم ولایت هرات طی ویدیوی دیداری گفت که حرف های آقای ندیم در زمینه ممنوعیت آموزش زنان دیدگاه های خود شان بوده و او حاضر و آماده مناظره دینی است که در حضور رسانه های داخلی و بین المللی با آقای ندیم این

مناظره ی را انجام دهد. واما تاکنون جناب ندیم با سکوت مرگبارش صدای خود را در برابر فراخوان شیخ الاسلام مولوی زاده بلند نکرده است . پاسخ روشن است که اصلن پاسخ مستدلی در اتکای ارشادات دینی و شریعت وجود نداشته و ندارد.

طالبان ریچارد بنت گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل را از سفر به افغانستان ممنوع نموده و از جانبی فشار شدید بر رسانه و تحمیل خود سانسوری بر آنها ، اصلن حاضر نیستند تا جنایات ضدبشری شان ثبت ، مستند سازی و همگانی شود. ریچارد بنت گفته است که به مستند سازی تخطی های ضد بشری طالبان مثل گذشته ادامه میدهد.

در اخیر متکی به گزارش سازمان بهداشت جهان در مورد مرگ و میر مادران میخوام این ارقام را بازرسانی نمایم اینکه :

در افغانستان در هر ۲۴ ساعت ، ۲۴ مادر حامله بنا بر نبود خدمات بهداشتی در بخش زایمان فوت می نمایند . گزارش تاکید مینماید که در شرایط کنونی حد اقل به ۷۸۰۰ تن از قابله ها نیاز جدی وجود دارد.

طالبان !

شما سکانداران امارت سیاه و دکانداران دین، و شما مفرزه جنگی های نیابتی بیگانگان!

آیا شما به حیث قاتلین ، مسئولیت از دست دادن جانهای شیرین این همه مادران را ندارید؟؟ آیا تنفیذ و تطبیق قانون خشونت بار «امر به معروف ونهی از منکر» تان در زمینه حذف زنان از جامعه به حیث پدیده زشت و ضد بشری «آپارتاید جنسیتی» ارقام این همه قتل و تلفات انسانهای بیگناه را افزایش نمیدهد؟؟؟

ح «حریف»

آلمان – آگست ۲۰۲۴



